

دکتر رضا مکنون

بسیار تشکر می‌کنم به خاطر موضوع بسیار مهمی که نقطه عطفی در تاریخ می‌باشد. و با تشریح خوبی که آقای دکتر ناظمی ارائه فرمودند و به خصوص سوالاتی که آقای دکتر فراستخواه مطرح کردند. از نظر من این بحثی است که با یک جلسه نهایی نخواهد شد و این روندی است که در دوره تحولات نقطه عطفی در تاریخ می‌باشد. همانطور که اشاره کردند من هم چیزهایی را البته نه به این مدل خاص ولی آینده سقوط نظام سرمایه‌داری را بیشتر می‌بینم. جرمی رد کینگ^{۲۴} آن را جایگزینی گفته یعنی کلبرتیو کامن^{۲۵} یک اقتصاد دو رگه است تقریباً قسمت عرضه به شدت با این راندمان‌ها بهبود پیدا می‌کند. ارائه هم تبدیل به دیجیتالی شده است. قدرت الان وارد دامنه‌ای شده که الان همه نگرانند مثل تیم گوگل. اینهایی که ارتباطات را کنترل می‌کنند آقای دکتر ناظمی اشاره فرمودند که این دنیای آینده را یعنی از مغز ما تا رفتار ما را چه کسی اداره خواهد کرد. البته من این کتاب را اخیراً نگاه می‌کردم آقای رد کینگ می‌گوید



که من فکر می‌کنم تا سال ۲۰۵۰ هم این اقتصاد یک بخش جدی خواهد بود ولی از ۲۰۵۰ به بعد فرم اقتصاد عوض خواهد شد. الان که در اینجا تشریح شد کامل نشان می‌دهد که این انسان‌ها هستند که دارند دگرگون می‌شوند. ارتباطات به شدت دارد وارد مغز و همه چیز می‌شود و بعد هم وارد جامعه خواهد شد. انشاءالله فرصتی پیش بیاید برای طرح در مجلس که به نظر می‌آید ما درست متوجه نشده‌ایم و داریم در جهت خلاف شنا می‌کنیم. یعنی چه بخواهیم و چه نخواهیم این ارتباطات خواهد بود و امکان ندارد بتوان آن را از تاریخ حذف کرد. نه تنها این بلکه اقتصاد آینده را هم می‌گرداند. در واقع فناوری فایو جی و بقیه هم همینطور است. چقدر ما باید آمادگی ایجاد کنیم که وارد این تحول شویم. در خود دیپلماسی که من نگاه می‌کردم اتفاقی که در افغانستان در حال افتادن است و ما این همه زحمت کشیدیم و تا دم مرز راه آهن کشیدیم.... همه چیز که دست ما نیست بیرون کشور اتفاق می‌افتد که معلوم نیست تمام زحماتمان نتیجه دهد یا نه.

ارتباطات در دیپلماسی، آموزش و در زندگی و در فعالیت‌های روزمره دارد قوی می‌شود. این ارتباطات همانطور که آقای دکتر فراستخواه در مورد DNA اشاره فرمودند؛ دی ان ای چگونه در تاریخ شکل گرفت، اول گفته شد این ویروس‌هایی است که جهش پیدا می‌کنند ولی بعداً خورد خورد آن انسانها برای ارتباط با محیط نیازهایی داشتند مغزشان بیشتر رشد کرده، بیشتر تحول پیدا کرد و این تغییرات حاصل شد. الان این تغییرات در کل دنیا اتفاق می‌افتد دی ان ای دنیا دارد عوض می‌شود و وقتی عوض شد بنده که امروز دارم تمرین می‌کنم حتی در رانندگی حتماً باید از اپلیکیشن بلد استفاده کنم و فهمیدم یک نفر بهتر از من در این موضوع شناخت دارد. اینها دارد دنیا را فرا می‌گیرد. ما دانشجویان مان را چگونه باید تربیت کنیم. اقتصادی که امروز متکی به فناوری است گفته می‌شود که خیلی زحمت بکشد و خلاقیت پیدا کند که یک مقدار خودش را نگه دارد. در ایران هم دیجی کالا و مانند اینها دارند بالا می‌روند. حکومت هم می‌خواهد جلوی همه را بگیرد و فرمول دیگری را ارائه کند آیا می‌شود این فرمول را انجام داد یا می‌شود یک چیزهایی را آموزش نداد آیا میشود دانشجویان ستاره‌دار داشت؛ همه را دارد به هم می‌ریزد. از نظر من بسیار بحث خوب و جدی را عزیزان مطرح کردند که نیاز به کار دارد و بعد هم یک انتقال یا ترنسفورمیشن^{۲۶} تدریجی را همه نمی‌پذیرند و همه قبول ندارند ولی چون این تحولات در حال

²⁴ Jeremy Redking

²⁵ collaborative common

²⁶ Transformation

رخ دادن است عیبی ندارد که از بین صد دانشگاه پنج تایی آنها آن جهت گیری را شروع کنند و اتفاقاً باید الان دانشگاه‌های ما جامعه را برای جهان آینده آموزش دهند و دیگر با لیسانس و فوق لیسانس این ضرورت کافی نیست و باید به صورت آموزش دائم باشد.

دکتر نسرین نورشاهی

واقعاً خیلی همه چیز در حال تغییر است و مسئله‌ای که من فکر می‌کنم همه ما الان درگیر آن هستیم این است که هیچ تصویری نمی‌توانیم از آینده داشته باشیم و به نظر من بزرگترین مشکل و مسئله‌ای است که همه ما با آن مواجه هستیم یعنی الان ابهام و عدم اطمینان که همیشه در مورد آن می‌گفتیم ضریب هزاران شده و واقعاً تصویری از شکل گیری آینده بسیار بسیار دشوار شده است. به یاد می‌آورم زمانی ما به خودمان می‌گفتیم که بیاییم تصویرسازی کنیم و برای خود چشم انداز تعریف کنیم من فکر می‌کنم که یکی از مسائلی که این فضای مجازی و این دنیای پیش رو برای ما به وجود آورده که ما الان اصلاً نمی‌توانیم تصویرسازی کنیم و یکی از مشکلات ما همین است. سوالاتی که شما در اینجا مطرح کردید کیفیت درون‌دادها، کیفیت فرایندها، کیفیت نتایج و زیرمجموعه‌هایی که جلوی آن مرقوم فرمودید به نظر من در مورد هر کدام از اینها که بخواهیم فکر کنیم خیلی دشوار است. تصور اینکه دانشجو چگونه خواهد بود، تصور اینکه زیرساخت‌ها چگونه خواهند شد، تصور اینکه برنامه درسی تبدیل به چه خواهد شد و چگونه خواهد شد. ما تعریف ساده‌ای در مورد کیفیت زندگی کاری داشتیم و جناب‌عالی در این پروژه خیلی به من کمک کردید به نظر من آن تعریف ساده الان خیلی پیچیده شده و به این راحتی ما نمی‌توانیم این سوال را مطرح کنیم و به آن در ابعاد کیفیت زندگی کاری بپردازیم. اینها دغدغه‌هایی است که به نظرم خیلی مسئله را پیچیده می‌کند و ساده نیست.

دکتر حجت رسولی

سپاسگزارم. از فرمایشات دوستان به خصوص جناب آقای دکتر فراستخواه بسیار استفاده کردم. به عنوان یک شنونده می‌خواهم دغدغه خاطر خودم را عرض کنم. ما به عنوان عضوی از جامعه جهانی در جریان تحولاتی که در سطح جهان اتفاق می‌افتد هستیم. سوالی که در ذهن من وجود دارد این است که ما در این چرخه جهانی و این حرکتی که در جهان آغاز شده کجای آن قرار داریم؟ آیا واقعاً ما در سطح نخست پیشگامان این تحولات قرار داریم یا با جامعه پیشرفته امروزی قدری فاصله داریم. به طور مشخص می‌خواهم بگویم اولین چیزی که ما باید بیشتر روی آن تأمل کنیم این است که کجای کار هستیم. موضوعاتی که مطرح شد نکات بسیار مهمی هستند اما واقعاً ما در کجای این تحولات هستیم؟ جامعه ما به چه میزان هنوز با آن پیشگامان این تحولات فاصله دارد. چون اگر ما در مقایسه با کشورهای پیشرو در صف آنها نباشیم و بخواهیم خودمان را با آنها مقایسه کنیم و بخواهیم بر اساس نسخه‌ها یا هر چیز دیگری حرکت کنیم ممکن است اصلاً مناسب حال ما نباشد و ما در جایگاه آن حرکت نباشیم بلکه لازم باشد که ببینیم اگر آنها مثلاً در نقطه صد قرار دارند ممکن است ما از بین صفر تا صد در نقطه هشتاد باشیم و باید ببینیم در مقایسه با نقطه‌ای که قرار داریم باید چه حرکتی کنیم.



از نظر من این یک مقدار نیاز به تبیین دارد به خصوص برای شخصی مانند من که متخصص در این مباحث نیستم و فقط یک دیدگاه تجربی نسبت به این مسائل ندارم که بدانم خود من، دانشگاه من و جامعه علمی من در کدام نقطه قرار دارد و با توجه به آن بتواند یک حرکت خوب انجام دهد. مثلاً این دنیای دیجیتال و تأثیراتی که دارد را اگر

را بیاورند. آنها در جواب می‌گفتند ما فکر می‌کردیم تحقیق همین است یعنی تحقیق کردن را به این معنا می‌دانستند که وارد گوگل شده و چیزی را پیدا کنند و کپی کنند. البته باید بگوییم که زمانی که ما دانشجوی دوره لیسانس بودیم مثلاً در اوایل دهه هشتاد هم این کار خودش یک نوع تحقیق بود برای این که شما می‌بایستی چند تا کتابخانه را می‌گشتید و این فی نفسه دارای ارزش بود. فناوری این ارزش را از آن گرفت. الان ارزش کجاست؟! این را نمی‌دانیم. همه این‌ها سناریوهای آینده ما را شکل می‌دهند. اینکه آیا یک جامعه پذیری جهانی در آموزش مجازی دیجیتال شکل می‌گیرد یعنی آیا همه دنیا به سمت یک گلوبالیتی و لوکالیتی می‌رود که این مسئله بسیار مهمی است و این بسته به نوع جامعه‌پذیر شدن این فضا است که آیا ما داریم به سمت گلوبالیتی که در دنیا ده دوازده تا دانشگاه باشند کلاس‌های درس چند صد هزار نفری تشکیل دهند می‌رویم. برای این ما نیاز به یک سری ملزومات داریم. اگر ما در دوره ابتدایی و دبیرستان آموزش زبان را جدی نگیریم از این روند جهانی حذف می‌شویم و مانند خیلی چیزهای دیگر تمام دنیا یک طرف و ما یک طرف دیگر قرار می‌گیریم. یا این به سمت یک لوکالیتی می‌رود که هر ساعتی یک استادی بیاید عده‌ای را به سمت خود جمع کند و به صورت لوکال چیزی را آموزش دهد و برای خود پارادایم‌ها یا نوع آموزش خود را بسازد. منظور من این است که همه ما به یک نوعی انقدر سردرگم هستیم به خاطر اینکه روشی، یک پارادایمی، یک حقیقتی وجود ندارد و این به صورت پست مدرن دارد مدام متکثر می‌شود و فعلاً دارد تکثیر می‌شود. حالا این که دارد تکثیر می‌شود آیا مدام به تکثیر خود ادامه می‌دهد تا اینکه به صورت ریز ریز شود و وقتی ریز شد کاملاً بی‌اثر می‌شود. یا اینکه یک کلنی‌هایی را شکل خواهد داد و به عنوان سیاستگذار ما موظفیم که این کلنی‌ها را رصد کنیم و متناسب با این کلنی‌ها آن مهارتی را که لازم است را در اختیار دانش‌آموزان و نه دانشجویان و یا حتی در اختیار کودک و فرزندمان قرار دهیم که بتوانیم مسئله را حل کنیم؛ وگرنه زمانی که پارادایم شکل گرفت و ما از آن حذف شدیم قاعدتاً فرزند ما هم ما را دور خواهد زد و ما را حذف خواهد کرد برای اینکه خودش از این سیستم جهانی جا نماند. همین اتفاقی که دقیقاً در فیلترینگ داریم می‌بینیم یعنی سیاستگذار را کاملاً دارد دور می‌زند و حذف می‌کند.

دکتر رضا مکنون

نکاتی که آقای دکتر فرمودند را من اینگونه شماره‌گذاری می‌کنم:

- ۱) تحولات بزرگی در جهان در حال رخ دادن است و شروع آن انقلاب صنعتی سوم، آی‌اوتی، انسان و اشیا است ولی تحولات حتی از این هم که در سطح اجتماعی در حال اتفاق افتادن است بزرگتر است.
- ۲) در این تحولات دنیای مجازی نقش بسیاری دارد برای اینکه ارتباطات خیلی از خلأهای گذشته را دارد پر می‌کند.
- ۳) دانشگاه‌ها چه بخواهند یا نخواهند در این سیر تحول به طرف مجازی بودن حرکت خواهند کرد که ممکن است مزایا و معایبی داشته باشد ولی این گریزناپذیر می‌باشد.
- ۴) آیا در این تحولاتی که در حال رخ دادن می‌باشد ایران جایگاهی دارد؟!

من یک نکته‌ای را پیدا کردم که صندوق نوآوری جهانی عملکرد بیش از ۱۳۰ کشور جهان را نشان می‌دهد من خیلی برای من جالب بود که در اروپا سوئیس جایگاه اول، سوئد جایگاه دوم، انگلستان جایگاه سوم را در شمال آفریقا و غرب آسیا اسرائیل جایگاه اول، قبرس جایگاه دوم و امارات جایگاه سوم را داشتند. در شمال آمریکا کشور آمریکا در جایگاه اول، کانادا در جایگاه دوم قرار داشتند. در آمریکای لاتین شیلی جایگاه اول، مکزیک جایگاه دوم و در جایگاه سوم کاستاریکا قرار داشت. در آسیای میانه و جنوب آسیا هند جایگاه اول، ایران جایگاه دوم و قزاقستان جایگاه سوم را داشتند. بنابراین آن چیزی که تحت عنوان اینکه ایرانیان جنبشی‌اند به خارج از کشور بروند در آنجا شکوفا می‌شوند اگر در ایران باشند و به آنها میدان داده شود باز هم شکوفا می‌شوند بنابراین الان چه چیزی باید شکوفا شود ما

جامعه ضعیفی در این دوره انتقال از دنیا نیستیم؛ منتهی اگر جامعه را دو قسمت کنیم یکی تیپ دانشگاهی‌ها و فارغ‌التحصیلان و دیگری تیپ تصمیم‌گیران قرار دارد. قطعاً در بیشتر جاها نخبگان و دانشگاهی‌ها این نوآوری‌ها را آوردند. تصمیم‌گیران ما متفاوت‌اند و تقریباً نظام مدیریت ما در کشور نسبت به تحولات جهانی یک مقدار عقب افتاده است. این یکی از مشکلات ماست الان ما می‌گوییم وزارت علوم باید چه کار کند که جزو تصمیم‌گیران می‌باشد و بستگی دارد وزیر علوم بعدی چه دیدگاهی داشته باشد. وزارت شورای امنیت ما دست چه کسی خواهد بود که این هم بستگی دارد وزیر بعدی چه کسی باشد. ما الان به خاطر تجربیات بر روی خوزستان خیلی کار می‌کنیم و انواع و اقسام ایده‌ها بروز می‌کند. چگونه ما علم این محیط زیست طبیعی را پیدا کرده بودیم و حواسمان به تغییر اقلیم دیگران نبود.

پنجمین مرحله؛ برنامه دوران تحول؛ چه برنامه‌ای قرار دهیم. ما البته آن پیشنهادی که خانم دکتر رشیدی فرمودند اجتماع کاوشگر به طور مثال جلسه ای که شما الان گذاشته‌اید در حقیقت همین است یعنی یک اجتماع کاوشگر می‌باشد. یکی دو مورد اجتماع دیگر هم ایجاد شده که در آنها هم جامعه گروهی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه امیرکبیر بودند و در آنها هم یک علاقه ای وجود داشت که این تشکیلات ادامه پیدا کند. من فکر می‌کنم این می‌تواند اجتماع کاوشگر باشد که باید بر روی چه چیزی بحث کند. خیلی‌ها فوراً وارد چیزهای ایدئولوژیک شدند و بعضی‌ها گفتند ایدئولوژی هر کس مال خودش می‌باشد. ما مهندس دانشگاه پلی‌تکنیک هستیم بیاییم مسائل فنی را مطرح کنیم. یکی از عزیزان در تورنتو شرکتی را تشکیل داده و در ایران هم بیست سال است که شرکت دارد و تجربیات خیلی خوبی را راجع به خانه‌سازی مطرح می‌کرد. راجع به این تحولاتی که در حال انجام است و ما نتوانستیم موضوع مسکن را یک درجه درست کنیم و حتی داریم آن را خراب تر هم می‌کنیم چرا ترکیه هم مسکن درست می‌کند و هم قسطی می‌فروشد و هم پاسپورت می‌دهد.

فرمول این‌ها چیست؟ آیا می‌توانیم در جامعه علمی ما به جای اینکه مدام حرف‌های بزرگ بزیم بیاییم راه‌حل‌های کوچک ارائه کنیم منتها این دیدگاه باید در ذهن مان باشد ما باید دوره انتقال و دوره تحول شویم. بهتر است کسانی که سر کار می‌آیند تحول را قبول داشته باشند. اواما گفت چینج^{۳۶}، آقای روحانی گفت تغییر. الان اگر کسی بیاید بگوید تغییر بی‌تغییر اما باید به الگوهای قدیم خود برگردیم دنیا دیگر نمی‌تواند آن را بپذیرد. ما در ورزش یک قهرمان داشتیم ولی در تلویزیون چگونه با او برخورد کردیم کمتر از نیم ساعت پیش می‌گفتیم که این یک توطئه است. یعنی ما تحولات دنیا را قبول نداریم. بنابراین این تحول هم بعد سیاسی دارد هم بعد اجتماعی دارد و حداقل دانشگاهیان می‌توانند در بعد علمی آماده باشند. سوالی هم آقای دکتر فراستخواه فرمودند. من دو ترم است که تقریباً با کرونا یک مقدار پروژه را بیشتر تعریف کردم من نمره‌های کلاس را نصف- نصف کردم و یک ساختاری را هم ایجاد کردم که نظارت هم از خود دانشگاه دکترا و فوق لیسانس است و طوری برنامه‌ریزی کرده‌ام که گروهی کار کنند. هم گروهی کار کردن و هم موضوع پروژه و هم مسئله ایران. چیزی که در این ترم پیش آمد آمایش سرزمین بود.

تمام بحث ما این بود که قرار است به کجا برویم خوشبختانه طرح آمایش سرزمین علیرغم کم و کاست‌هایی که دارد بالاخره نظام گفت که ما می‌خواهیم طرح آمایش سرزمین ارائه کنیم. تمام استان‌های مرزی، مرکزشان قرار شده که حتی به کشور همسایه آموزش دهد. لازمه مقدماتی این رفاقت با کشور همسایه می‌باشد. زمانی که تحولات افغانستان را دیدم بزرگترین جامعه این چهار گروه یا فرقه در افغانستان آنهايي هستند که به زبان دری و فارسی صحبت می‌کنند. از دم مرز ما تا خود چین بزرگترین پتانسیل افغانستان همکاری با ایران می‌باشد. این در کجا باید ظاهر شود آیا ما می‌خواهیم با همسایگانمان دعوا کنیم و بخوایم قدرت اول منطقه باشیم و همه از ما پایین تر باشند. با چه کسی می‌خواهیم تجارت کنیم. الان باید کلی زحمت بکشیم افتخار کنیم ما خودمان هم تحولی ایجاد کرده‌ایم

³⁶ Change

که از شر تنگه هرمز خلاص شدیم و رفتیم در آن طرف تنگه هرمز نفت صادر کنیم. الان که در تمام دنیا نفت دارد جمع می‌شود حرکت بعدی ما چه خواهد بود.

عربستان می‌گوید که من از سال ۲۰۳۰ بعد وارد صادرات نفت نمی‌شوم. که البته اینها تحولات دوره میانی آن می‌باشد. اگر عربستان بخواهد این کار را کند کلاً نخواهد توانست مملکت خود را اداره کند. اگر ما این تحول را ببینیم چگونه می‌شود لوکال در دانشگاه این ساختار موجود که عده‌ای نمی‌توانند در این سن و سال به این راحتی در اینترنت و شبکه‌های مجازی کار کنند. ولی اگر این عزیزان بر سر کار آمدند نباید بگویند که دانشگاه ما مجازی را قبول ندارد. الان در وزارت آموزش و پرورش از یک طرف وزیر ما می‌گوید مهر ماه دانشگاه‌ها را باز کنیم و وزیر بعدی بیاید و بگوید که اصلاً قرار نیست باز شود. باید یک مقدار از جامعه فکر و ایده گرفته شود. به نظر من این دوره پنجم که می‌خواهد دوران تحول باشد یک دوران تحول برای حرکت دانشگاه از این سیستم به آن سیستمی که البته خودمان هم نمی‌دانیم چگونه است ولی میدان داده شود که وارد کار جدید شود. در دانشگاه‌های خودمان هم الان دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه شریف و حتی دانشگاه تهران در چند رشته هستند که کارهایی را شروع کرده‌اند. نباید بگوییم که آن کار باید بر تمام دانشگاه‌های ایران دیکته شود. ولی الان ما باید به سرعت وارد دوران تحول شویم و این گروه- گروه یا همین لغت اجتماع کاوشگر جالب خواهد بود و با اینها برای این تغییر و تحول را شروع کنیم.

دکتر سیده مریم حسینی لرگانی

سلام عرض می‌کنم خدمت همکاران عزیز مهمانان ارجمند و تشکر ویژه دارم از جناب آقای دکتر فراستخواه به خاطر برگزاری پنل‌های بسیار مفید و همچنین همکار خوبم آقای فاتح مرادی نیاز. در رابطه با یادگیری من موضوعی به ذهنم رسید که می‌خواهم آن را ارائه کنم. اینکه بحث یادگیری همواره یک موضوع پر چالشی بوده من سالهاست که در مورد یادگیری کار می‌کنم تنها چیزی که خودم به آن رسیدم این است که یادگیری مساوی است با بقا یعنی برای اینکه ما بخواهیم زنده بمانیم ناچاریم که یاد بگیریم.

اگر از آن تعریف علمی و کلاسیک یادگیری که عبارت است از تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد که در اثر تجربه باشد و من از آن بگذرم تعریفی که خودم از یادگیری دارم که یک تعریف خیلی آسان می‌باشد یعنی عبور از نقطه غفلت و رسیدن به نقطه آگاهی. اگر ما بخواهیم از نقطه غفلت به نقطه آگاهی برسیم و آن دو موردی را که آقای دکتر فراستخواه فرمودند یادگیری تحولی یادگیری پنج حلقه‌ای یا دو حلقه‌ای، همه اینها را وقتی شما بررسی می‌کنید یا بحث یادگیری زدایی و یا بحث یادگیری زائد را که اولین بار در ایران من مطرح کرده بودم همه اینها اشاره



به یک اصلی دارد که یک اصل فلسفی که تنها اصل ثابت در جهان ثابت در جهان اصل تغییر است. یعنی ما پذیریم که این تنها اصل ثابت که تغییر است برای نوآوری و برای زیست و برای بقا ناچار به تغییر هستیم. این من را به یاد شعر مولانا می‌اندازد «جمله بی قراریت از طلب قرار توست... طالب بیقرار شو تا که قرار آیدت». یعنی علت تمام بیقراری‌های من بشر از آن ثبات‌طلبی‌های ما نشأت می‌گیرد. اگر ما طالب بیقرار باشیم و از آن داشته باشیم که همه چیز در معرض تغییر و تحول است آنگاه به آرامش می‌رسیم. بنابراین به فرمایش آقای ناظمی آموزش الکترونیکی و آموزش مجازی یک نوزاد نارس بود. به خاطر دارم که در دومین کنفرانس آموزش الکترونیکی یادگیری الکترونیکی که در سیستان و بلوچستان برگزار شد در سال ۸۷-۱۳۸۶ بود. حدوداً ۲۰ سال است که حداقل در